میکروفیلم تهیه شد

بازبین شد
۱۳۵۳ خ

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب اجوبة المسائل فارسی

مصنف مجیب حاج محمد کریمخان کرمانی

مؤلف پدر

خطی نسخ ۱۹ سطری

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۶ شوال ۱۲۹۹ عدد اوراق ۱۶

جزء کتب تفیر شماره

شماره عمومی ۸۲۶۵ شماره قبض

واقف ملکزاده کرمانی تاریخ وقف ابان ۱۳۲۶

طول ۱۷ عرض ۱۱ گنجه

فهرست کتب [illegible]

کتاب افتتاح [illegible] جلد

کتاب [illegible] جلد

کتاب تقیه [illegible] ۲ جلد

واز بین شه
۱۳۵۳خ

فرمایش آقای آقا محمد خان در جواب حکیم دانیال

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین
محمد صلی الله علیه و آله خاتم النبیین وعلی آله اشرف الاوصیاء المرضیین
والاولیاء الکاملین ورهط المخلصین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین
چنین گوید بنده اثیم محمد بن محمد کریم کرمانی که حکیم حاذق و طبیب
مدقق صاحب معالجات حمیده و مرکب معاجین سدیده معالی نیکو فال
عالیجاه حکیم دانیال ختم الله له بالسعادة ورزقه الله الهدایة فی البدایة و
النهایة از بلده طیبه همدان صانها الله عن طوارق الحدثان مراسله نگاشته
بودند مشحون بسه مسئله و جناب مستطاب سلالة الاطیاب و سلیلة
الانجاب فخر الاعاظم و نخل الاکارم صاحب المفاخر و جامع المآثر المولی
المؤید مولانا الآقا محمد سلمه الله تعالی و حفظه و زاده عزا و نصرة تاکید
اکید فرموده بودند در نوشتن جواب لهذا ابتدا بجواب نمودم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم   حاصل کلام اینکه چند افاد در
کتاب مجید خود میفرماید ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین مقتضای
این آیه در کتاب مجید بایست همه چیز باشد پس اگر کسی سؤال کند
کیفیت وضو را کجا بیان فرموده میگوئیم فاغسلوا وجوهکم
تا آخر مثلا طریقه مسح را در جای دیگر میفرماید فامسحوا برؤسکم
تا آخر پس بیان هر شیئ در قران باید باشد والا تکلیف وارد
نماید با آیه ولا رطب ولا یابس صدق نمیشود العیاذ بالله نماز

ستون

ستون دین است چنانکه فرموده اند که الصلوة عمود الدین پس
چگونه میشود که بیان کیفیت آن نشده باشد اگر نفرموده نفرماید
ما دانسته باشیم و هرگاه فرموده در کجاست که معلوم شود از آن
کیفیت و طریقه نماز پنجگانه تا رفع شبهه از این ذره بیمقدار بشود
و هرگاه بفرمائید که طریقه صلوة را از حدیث نبوی صلی الله علیه و آله
معلوم مینمائید عرض میکنم که چگونه میشود که بیان وضو که مقدمه
آن است شده باشد و بیان ذی المقدمه متروک باشد   شک
نیست که در این قران همه چیز هست چنانکه فرموده ولا رطب ولا یابس الا
فی کتاب مبین و فرموده فیه تبیان کل شیئ و تفصیل داده است خداوند
قرآن را بر توریه و انجیل و زبور و سایر صحف بوجوهی چند یکی از
انها همین است که قران جامع همه چیز است و آن کتب جامع نبوده است
و جمیع احکام و شرایع و اداب در این قران قرار داد شده است
ولکن بعضی در ظاهر قران است و بعضی در باطن و بعضی در تاویل
و بعضی در بطون دیگر و از برای این اسراری چند است یکی اینکه
جمیع چیزها را اگر بنا شود در عبارات مختصره جا بدهند لابد این طور
میشود اگر بنا شد بطور تفصیل جمیع مطالب را با اینکه محتوی بر آن است
و احکام همه را مفصلا مشروحا در بیان بیاورند بطور ظاهر لا محاله
آنهمه چیزی بلفظی تعبیر باید آورد پس کتابی میشود بقدریکه خدا
دانا است و احدی را یارای ضبط و خواندن آن نخواهد بود خاصه

تجهها است و امرهم منظم و تدبیرهم متکلم متقن است و در هر شب
قدر هم امر به ایشان نازل میشود و اعمال خلایق هر روزه به او عرضه
میشود و مع ذلک غایب هم هست و امر دین هم بواسطه وسائط
تحلیه میشود مثل زمان ظهور و قلوب همه هم در دست ایشان است و
هر وقت هر حکمی بخواهد جاری فرماید جاری میفرماید و ما بهمین
اطمینان باین اخبار عمل میکنیم و با جماعات میکنیم و مطمئن میشویم
و اگر علم و اطلاع ایشان نبود و ما خود را همرای و همسمع ایشان
نمیدانستیم ابداً علم از برای ما حاصل نمیشد و فرق ما با سایرین
اینها چون از این علم اطلاعی ندارند در این اخبار شبهه‌ها میکنند
تا حدیکه باب علم بر ایشان مسدود میشود ولکن ما میدانیم که امام
اخبار را مشاهده میفرماید و ما را هم می‌بیند و اگر بخواهد این
اخبار را از میان ببرد میبرد و بخواهد قلوب ما را منصرف فرماید
منصرف میفرماید پس یقین میکنیم که اینطور خواسته است و با برد
القلب ثلج الفؤاد راه میرویم و در همه موارد رو بایشان میکنیم
و او را باب خدای خود میدانیم و حال اینکه حضرت هم از ما غایب
است اما ما از او غایب نیستیم و والله که امر نیست مگر مثل سایر ائمه
آن وقت میگفتیم مدینه تشریف دارند حال میگوییم سامرا تشریف
دارند حال میگوییم سامرا تشریف دارند چه فرق میکند ساکن مدینه
مدینه باشند و من خدمت ایشان نرسم یا سامرا تشریف داشته
باشند

۱۶

بازبینی شد ۱۳۷۱ ش

باشند و من خدمت ایشان نرسم فرض میکنم مدینه تشریف دارند
و مکه بنده هم رفتم اگر مرخص نفرمایند که خدمت ایشان نمیتوانم
برسم حال هم چون مرخص نفرموده اند نمیتوانم خدمت
ایشان برسم و همین قدرها در جواب این مسئله کافی است
و از جهت قلت فرصت مجال اینکه اخبار مسئله
را روایت تمام نکردم و بهمین بیان
مختصر ختم مینمایم و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و
صلی الله علی محمد و آله
الطاهرین و رهطه
المخلصین تمت
فی لیلة سادس
عشر شهر شوال
المکرم سنه ۱۲۹۹
حامداً مصلیاً
مستغفراً

سال ۱۳۴۸ خورشیدی وقف شد

کتابخانه آستان قدس رضوی